

## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره  
 تاریخ: ۱۹ آبان ۱۴۰۰  
 موضوع جزئی: آیه ۴۰ \_ بخش دوم: «أوفوا بعهدی...» \_ وفای خداوند به مصادف با: ۴ ربیع الثانی ۱۴۴۳  
 عهد خود \_ نتیجه پیمان شکنی انسان \_ تفاوت عهد انسان و عهد خداوند \_ جلسه: ۱۴  
 کلیت «أوفوا بعهدی أوف بعهدکم»

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

### عهد خداوند

بحث ما رسید به اینکه «أوف بعهدکم» به چه معنا است. بخش دوم دو جمله دارد: «أوفوا بعهدی أوف بعهدکم» و کأن یک جمله شرطیه است. همانطور که در جمله اول گفتیم، اینجا هم باید بدانیم اساساً عهد خدا چیست و آنگاه وفای به عهد از ناحیه خدا چگونه است. عهد انسان و وفای به عهد از ناحیه انسان معنایش معلوم شد. عهد خداوند هم کاملاً روشن است و معلوم است که خداوند تبارک و تعالی به همه بندگان چه آنهایی که به او ایمان بیاورند و چه کسانی که کافر شوند، چه دوستان و چه دشمنان، نعمت هایی ارزانی داشته، نعمت حیات، رزق، و... همگان از این نعمت ها با تفاوت هایی بهره مندند. بالاخره اینکه در این دنیا لباس وجود بر آنها پوشانده شده و از هر آنچه که در این دنیا هست استفاده می کنند، اختصاص به مؤمن هم ندارد و شامل همه می شود. اما منظور از عهد خدا آن نعمت ها و چیزهایی است که به عموم انسان ها تعلق گرفته نیست چون در این جهت فرقی بین وفا کنندگان به عهد و یا نقض کنندگان عهد و پیمان خداوند نیست و همه را در بر می گیرد. منظور از این عهد فراتر از آن است، یعنی آنچه که خداوند به انسان ها به این شرط که آنها به عهدشان وفا کنند می دهد، بلکه بسیار فراتر از آن حد و اندازه که ما تصور می کنیم.

### وفای خداوند به عهد خود

افزایش نعمت ها یکی از کارهایی است که خداوند نسبت به وفا کنندگان به عهدشان انجام می دهد. اینکه میفرماید «لئن شکرتم لأزیدنکم» در حقیقت دارد به همین نکته اشاره می کند؛ شکر خداوند جزئی از عهد انسان با خدا است. شکر لسانی و عملی و حقیقی نسبت به آنچه که خداوند به انسان عطا کرده. انسان اگر موحد باشد، به پیامبر ایمان داشته باشد، به معاد معتقد باشد و به دستورات خدا عمل کند، یقرض الله قرضاً حسناً یعنی قرض بدهد، و بالوالدین احساناً، سخن نیکو با همگان داشته باشد و... خداوند نعمت های او را افزون می کند. و نعمت های خداوند که افزون می شود، این خودش در دنیا یکی از آن عهدهایی است که خداوند نسبت به انسان وفا می کند. پس عهد خدا دادن نعمت های بیشتر در روی زمین است و در آن تردید نیست. عهد خدا، «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا» است که با این تعبیر در موارد مختلفی در قرآن ذکر شده؛ خداوند وعده داده به کسانی که ایمان بیاورند، در همین دنیا آنها را جانشین خود بر روی زمین کند؛ «إِن الْأَرْضَ بِرِثْهَا عِبَادِيَ الصَّالِحِينَ». در مقابل که می گوید عهد من به ظالمین نمی رسد، یعنی امامت مؤمنان به ظالمان نمی رسد. پس معلوم

می‌شود آن عهدی که خدا دارد امامت و ولایت مؤمنان و اهل ایمان بر روی زمین است. در روایات هم از کسانی که به عهد خودشان عمل کنند سخن رانده شده و خداوند متعال هم آثار بسیاری در همین دنیا برای کسانی که به عهد خود عمل کنند ذکر شده. عهد خدا نسبت به چنین اشخاصی در دنیا لا تعدّ و لا تحصی است. در آخرت هم این عهد بسیار مهم است. این‌ها فراتر از عهد خدا است، اما خداوند از آن‌ها یاد کرده است. می‌فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا»<sup>۱</sup>. این‌ها همگی از عهد‌های خداوند است. کسی که کار نیک کند، خداوند برای او بهتر و بیشتر فراهم می‌کند. در آیه ای دیگر دارد: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امْتِثَالِهَا»<sup>۲</sup>.

البته نمی‌گوییم این عهد مختص دنیا است، اما قطعاً شامل دنیا هم می‌شود، گرچه بخش مهمی از آن مربوط به آخرت است. این وعده خدا به کسی است که کار خیر کند. آیا ما تردید داریم به ده برابر دادن خدا و یا وفای به عهد خداوند؟ در آیه ای دیگر می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ»<sup>۳</sup>. مثل کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کند، مانند کسی است که هفت دانه در زمین می‌کارد و از هر دانه ای صد دانه رشد می‌کند. این نعمت‌ها که فقط مربوط به آخرت نیست، بلکه مربوط به دنیا هم هست اما با اشکال و طرق مختلف در زمان خودش. مثلاً ممکن است کسی این کار را انجام دهد اما در نسل بعدی این ثمره ظاهر شود، بنا به مصالحی که وجود دارد.

علی‌الاحوال عهد خداوند بدون تردید این است که انسانی که در مسیر صحیحی حرکت کند، درست زندگی کند، اهل احسان باشد، به حسنة رفتار کند (به معنای عامش)، اهل خیر باشد، خداوند تبارک و تعالی نه تنها به ازاء آن بلکه بسیار بیشتر از آن را برای او فراهم می‌کند. البته انتظار فقط نباید مالی باشد که مثلاً کسی صد تومن بدهد و در برابر هفتصد برابر بگیرد. بدون تردید این اثر و ثمره وجود دارد، هم در دنیا و هم در آخرت.

### نتیجه پیمان شکنی انسان

خداوند بشارت بهشت و جهنم را به وفاکنندگان به عهد خودشان، یا نقض‌کنندگان به عهد خودشان داده. این چیزی است که در آیات مختلف به آن تاکید شده. مجازات، پاداش و کیفر اعمال انسان در آخرت مخصوصاً بنا بر نظر تجسم اعمال دیگر قابل انکار نیست و البته اگر کسی مورد عفو و رحمت خدا قرار بگیرد، آن حسابی دیگر دارد. اما اصل این مسئله مطلبی است که شکی در آن نیست.

پس عهد خدا نسبت به انسان هم در دنیا و هم در آخرت روشن است. با اینکه خداوند تبارک و تعالی به عنوان خالق و ربّ این عالم و همه انسان‌ها فراتر از این است که با انسان مخلوق و ضعیف خودش معاهده داشته باشد، اما می‌گوید با

۱. سوره نمل، آیه ۸۹.

۲. سوره انعام، آیه ۱۶۰.

۳. سوره بقره، آیه ۲۶۱.

شما معاهده می‌بندم؛ «أوفوا بعهدکم، أوف بعهدی»، شما به عهدتان عمل کنید، من هم به عهد خود وفا می‌کنم. عهدی که عرض کردم باز همه منافع و فوایدش نصیب انسان می‌شود.

در مقابل اینکه میفرماید «أوفوا بعهدکم أوف بعهدی»، طبیعتاً اگر انسان به عهد خودش با خدا عمل نکند، خدا هم به عهد خودش عمل نمی‌کند. معنای عمل نکردن خدا به عهدش صرفاً این نیست که در دنیا به آنچه که گفته و یا در آخرت آنچه را که وعده داده محقق نکند. یکبار می‌گوییم: «أوفوا بعهدکم أوف بعهدی»، شما به عهدتان وفا کنید، من هم وفا می‌کنم. مفهوم این جمله این است که اگر شما وفا نکنید من هم وفا نمی‌کنم. آیا وفا نکردن خدا صرفاً به این است که مثلاً دیگر نعمت‌های او را زیاد نمی‌کند؟ «لئن شکرتم لأزیدنکم» یعنی دیگر از دیاد نعمت نیست، اما دیگر نعمت تبدیل به نعمت نمی‌شود. یا مثلاً آنچه را که باید می‌داده در راه خدا نداده، خداوند دیگر چیزی به ازاء آن در نظر نمی‌گیرد، یا دیگر به بهشت نمی‌رود. آیا چنین است یا فراتر از این؟

با اینکه خداوند در ناحیه پاداش همیشه فراتر از عدالت، بلکه به فضل عمل می‌کند، در ناحیه کیفر هم چنین است. لکن اگر کسی به وعده خودش عمل نکند و نقض کند پیمانی را که با خدا بسته، خداوند او را مجازات می‌کند. البته این مصادیق متعدد دارد؛ یکبار پیمان توحید را نقض می‌کند و گاهی هم پیمان باور به خدا، احسان به والدین و... را نقض می‌کند. اما مسئله این است که نقض کنندگان پیمان خداوند اینطور نیست که فقط از بعضی مزایا محروم شوند، خیر، از نقض کنندگان پیمان خداوند گاهی تعبیر به «اولئک هم الخاسرون» شده است. گاهی در مورد این‌ها می‌فرماید: «لهم سوء الدار». گاهی می‌فرماید: «اولئک لهم اللعنة». آن‌ها گرفتار سوء عاقبت می‌شوند، گرفتار لعنت خدا می‌شوند، ضرر می‌کند و... البته نقض کنندگان همگی جزء «اولئک اصحاب النار فیها خالدون» نیستند، بلکه مراتب متفاوتی وجود دارد. اما بالاخره عاقبت و سرانجام خوبی برای نقض کنندگان پیمان با خدا وجود ندارد و حتماً هم در دنیا و هم در آخرت بسیاری از منافع و مصلحت‌هایی که ممکن است نصیب یک انسان شود را از دست می‌دهند. مثلاً مصلحت هدایت، بندگی و... را که از دست می‌دهند، حتی از نظر دنیایی هم عاقبت خوب و سرانجام روشنی ندارند.

پس ما می‌توانیم بگوییم خداوند تبارک و تعالی برای کسانی که به عهد خود وفا می‌کنند فرموده: «أوفوا بعهدکم أوف بعهدی». اما درباره نقض کنندگان هم اینطور نیست که ساکت باشد. معاهده مشتمل بر دو چیز است، یعنی از یک طرف عهد‌ها معلوم است، از طرف دیگر نتایج و آثار این‌ها و در کنار این‌ها آثار نقض عهد هم معلوم است. یعنی کأن در این معاهده معلوم است که نقض عهد از سوی انسان چگونه محقق می‌شود و انسان چه کارهایی را اگر انجام دهد نقض عهد با خدا حساب می‌شود. از طرفی خداوند هم برای نقض این عهد کیفر قرار داده است و فقط سلب مزیت‌های عمل به عهد و وفای به عهد به تنهایی نیست، گرچه آن خودش یک عذاب است، اما اینجا برای نقض پیمان و میثاق با خدا کیفر در نظر گرفته شده است و اگر کسی به این عهد و پیمان عمل نکند، کیفر و مجازاتش چنین است. و باز این هم برای منفعت و مصلحت خود انسان است، یعنی هم انداز دارد و هم تبشیر، هم وعده می‌دهد و هم وعید.

این جمله کأن یک مفهومی دارد که اگر به عهدتان وفا نکنید، من هم به عهد خود وفا نمی‌کنم، بلکه مجازاتتان می‌کنم. چون هر گناهی که انسان می‌کند، در حقیقت یعنی نقض پیمان با خدا و هر گناهی مجازات هم دارد. هر معصیتی نقض پیمان با خدا است که برای آن کیفر و مجازات هم قرار داده. البته اینجا «جزاءُ سیئةً سیئةً مثلها»<sup>۱</sup> است. گاهی ممکن است فضل الهی هم بیاید و سیئه را نادیده بگیرد، اما این قاعده نیست.

ما درباره عهد خداوند و وفای خداوند به عهد خودش توضیح دادیم و اینکه وفای خداوند به عهد خودش در مقابل وفای انسان به عهد خودش است و اگر او به عهد خودش وفا نکند، کیفر نصیب او می‌شود. یعنی هم وعده داریم و هم وعید.

### تفاوت عهد انسان و عهد خداوند

عهد خدا و انسان چه تفاوت‌هایی دارد. با توجه به آنچه که گفتیم، اجمالاً معلوم می‌شود که تفاوت عهد انسان با خدا در چیست. اگر بخواهیم این دو را با هم مقایسه کنیم، این دو اصلاً با یکدیگر قابل مقایسه نیستند. عهد انسان موقتی است، عهد خدا دائمی. خداوند از انسان پیمان گرفته که در دوران کوتاه عمرش چه کارهایی را انجام بدهد و چه کارهایی را انجام ندهد. اما عهد خداوند با انسان منقطع نمی‌شود و دائمی است. انسانی که در مدت طول عمرش به عهد خود عمل کند، خداوند إلى الأبد به عهد خودش عمل می‌کند بلکه به اضعاف مضاعف. چه معاهده‌ای می‌توان سراغ داشت که چنین باشد؟

دوم اینکه عهد انسان با خدا در حقیقت همان تکلیف است. یعنی در محدوده یک سری باید و نباید‌ها قرار می‌گیرد. اما خداوند متعال حقیقتاً در مقابل، رحمت بیکران و خاص خودش را به سوی انسان سرازیر می‌کند، برای همین است که دائمی است.

### کلیت «أوفو بعهدی أوف بعهدکم»

نکته‌ای دیگر که باقی مانده آن است که آیه مختص به بنی اسرائیل نیست و یک مطلب کلی برای همه انسان‌ها است. در روایتی می‌فرماید: قال رجل لأبي عبدالله (ع) جعلت فداک إن الله یقول أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ و إِنَّا نَدْعُوا فَلَا يُسْتَجَاب لَنَا. مردی آمد خدمت امام صادق (ع) گفت جانم بقربانت، خداوند می‌فرماید مرا بخوانید، من اجابت می‌کنم شما را و ما خدا را می‌خوانیم و دعا می‌کنیم، اما استجاب نمی‌شود. قال علیه السلام: لَأَنْتُمْ لَا تَقُونَ بَعْدَ اللَّهِ و إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ أَوْفُوا بَعْدَ اللَّهِ أَوْف بَعْدَكُمْ و اللَّهُ لَوْ وَفَّيْتُمْ لَهِ لَوْفَا اللَّهُ لَكُمْ.<sup>۲</sup> حضرت فرمود برای اینکه شما به عهدتان با خدا وفا نمی‌کنید و خداوند فرموده «أوفوا بعهدی أوف بعهدکم». سپس امام (ع) قسم می‌خورد که والله لو وفَّيْتُمْ لله لوفَّا الله لكم.

«لئن شكرتم لأزيدنكم» عهد خدا است. «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها» عهد خدا است، مگر می‌شود خدا به عهدش وفا نکند؟ پس معلوم می‌شود اشکال از طرف ما است.

۱. سوره شوری، آیه ۴۰.

۲. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۶. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۹۰. نور الثقلین، ج ۱، ص ۷۳.

این مسئله بسیار مهمی است که باید توجه شود که حضرت دارد اشاره به عهد و پیمان انسان با خدا و بالعکس می‌کند. اینجا که دیگر مسئله بنی اسرائیل مطرح نیست، بلکه برای همه انسان‌ها ثابت است و در تمام امور این مسئله جریان دارد.

«والحمد لله رب العالمین»